

دشمن را بشناسید

اثری از:
ابوالحسن المدنی

مترجم:
ابوسعید انصاری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فهرست مطالب

- ۲ مقدمه
- ۳ نخست: شیعه و قرآن کریم
- ۴ کلینی، مشهورترین عالم شیعه معتقد به وجود تحریف در قرآن می باشد
- ۷ دوم: دیدگاه شیعه نسبت به اصحاب پیامبر ﷺ و أمهات المؤمنین
- ۱۰ سوم: عقیده شیعه در مورد ائمه اثنی عشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

برادر و خواهر مسلمان!

این پیام کوتاه را به همه مسلمانانی هدیه می‌کنم که نسبت به دین، عقیده و امتشان غیرت دارند، به کسانی که الفت، محبت، اتحاد و همبستگی را برای عالم اسلامی آرزو می‌کنند، به این امید که قطره‌های خون دلی که از این عبارات دلسوزانه می‌چکد، باعث هدایت متحیرین به راه راست گردد.

بر هر مسلمانی واجب که در راستای بهبود حال و وضع امتش و بازگشت آن به عصر پیامبر ﷺ قدم بردارد و در راستای اتحاد و همبستگی امت اسلامی تلاش نماید، همانگونه که الله عزوجل دستور می‌دهد:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]

«و همگی به رشته (ناگسستی قرآن) الله چنگ زنید و پراکنده نشوید.»

نخستین چیزی که شایسته است تا با مخالفین مطرح گردد این است که آنها را به کتاب الله و سنت پیامبر ﷺ دعوت نماییم و از انحرافات که مانع هدایت و رسیدن آنها به راه راست می‌گردد بازشان داریم.

از این رو این رساله را ارائه می‌دهیم که حاوی پاره‌ای از انحرافات اعتقادی مشاهیر مذهب شیعیان رافضی اثنی عشری می‌باشد، تا هر مسلمان از حقیقت اطلاع یابد و هیچ عذری برای انسان‌های غافل و دلیلی برای افراد جاهل باقی نماند.

نخست:

شیعه و قرآن کریم

آنچه برای همگان واضح و روشن می‌باشد این است که قرآن کریم کلام الله است و الله عز و جل کفیل و ضامن حفظ و نگهداری آن تا روز قیامت می‌باشد، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾ [العجر: ۹] ﴾

«ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم».

همچنین راجع به قرآن مجید فرموده است:

﴿ لَا يَأْتِيهِ الْبُطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۗ ﴿٤٢﴾ [فصلت: ۴۲] ﴾

«هیچ گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجه قرآن نمی‌گردد». یعنی، نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن، و نه دست تحریف به دامان بلندش می‌رسد.

بنابر این هر کس که در راستای توهین و هتک حرمت قرآن کریم و صدمه زدن به قداست قرآن قدم بردارد از اسلام فاصله دارد و مسلمان خوانده نمی‌شود، هر چند که خود را مسلمان قلمداد نماید، و لازم و ضروری است که پرده از واقعیت وی برداشته شود تا مردم از عداوت و دشمنی وی نسبت به قرآن و جنگ و ستیز او با اصل و پایه عظیم اسلام اطلاع و آگاهی بیابند.

پس لازم است بدانیم که شیعیان رافضی مانند بقیه مسلمانان درباره حفظ قرآن کریم از جانب الله متعال و اینکه این کتاب مقدس کامل و بدون نقص می‌باشد عقیده ندارند بلکه معتقد هستند که از جانب اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله تغییر و تبدیلاتی در قرآن صورت گرفته و

قرآنی که از هر گونه تغییر و تبدیلی محفوظ مانده نزد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بوده و بعد از وی به دست ائمه رسیده و اکنون نزد مهدی منتظر می باشد. لازم است بدانید که این عقیده مشاهیر و علمای بزرگ شیعه اثنی عشری است و از روی دروغ و بهتان آن را به امامانشان نسبت داده اند.

کلینی، مشهورترین عالم شیعه معتقد به وجود تحریف در قرآن می باشد

کلینی که میان شیعیان به «ثقة الاسلام» شهرت دارد در کتاب «اصول کافی» - که قول داده جز روایات صحیح در کتابش نیاورد - روایات بسیاری از این افسانه های تحریف قرآن کریم را آورده است و هیچ یک از آنها را ضعیف نشمرده؛ لازم به ذکر است که علمای شیعه نیز این کتاب را در بلند مرتبه ترین درجه آن قبول داشته اند.

کلینی در آن کتاب از جعفر صادق علیه السلام چنین نقل می نماید:

«إن القرآن الذي جاء به جبرئيل عليه السلام إلى محمد عليه السلام سبعة عشر ألف آية». [الكافي: ج ۲، ص ۶۳۴]

(قرآنی که توسط جبرئیل عليه السلام بر محمد عليه السلام نازل شده (۱۷۰۰۰) آیه می باشد).

این در حالی است که آیات قرآن کریم شش هزار و اندی آیه می باشند و وجود روایت فوق در کتاب مذکور بیانگر حذف قریب به دو سوم از قرآن کریم می باشد؛ چه افترای بزرگی!!!

و باز در آن کتاب چنین بیان داشته:

«جبرئيل عليه السلام این آیه را بر محمد این چنین نازل کرد:

﴿وَأِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (في علي) فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾ [البقرة: ۲۳]

«و اگر در آنچه بر بنده خود (درباره علی) نازل کرده ایم، در شک هستید پس سوره ای مانند آن بیاورید».

نمونه های بسیاری در این راستا وجود دارند، زیرا بیشتر کتابهای شیعه در این باتلاق و گنداب غوطه ور شده اند و به این ورطه و منجلاب خطرناک افتاده اند؛ لازم به یادآوری

است که آن روایتهای ذکر شده در کتابهایشان، روایتهایی شاذ و پراکنده نمی‌باشند که بدون رضایت و تأیید محققین و افراد عاقلشان نقل شده باشند، و شیخ آنها «مفید» می‌گوید:

«اخبار و روایتهایی که از ائمه هدایت، از میان آل محمد علیهم‌السلام روایت شده که راجع به اختلاف قرآن و حذف و کاستیهای صورت گرفته از جانب برخی از طعنه زنان به قرآن بحث می‌کند فراوان است». [أوائل المقالات : ص ۵۴]

در اواخر قرن سیزده هجری رسوایی شیعه در این راستا به حد اعلی رسید، زیرا نوری طبرسی شیخ و استاد بزرگ شیعه نوشته‌ای در خصوص این کفریات ارائه داد و تمامی افسانه‌سراییهای این باب را گردآوری نمود و آن را «فصل الخطاب فی إثبات تحریف کتاب رب الأرباب» نام نهاد، و این کتاب به عنوان لکه ننگی برای شیعه در تاریخ به ثبت رسید، نویسندۀ این کتاب همه روایتها و اقوال پراکنده علمای شیعه را گردآوری نموده تا از این طریق ثابت نماید که علما و راویان و محققان شیعه قائل به این کفر می‌باشند.

لازم است بدانید که برخی از آنان از روی دروغ و بهتان اعلام داشته‌اند که اهل سنت نیز قائل به وجود تحریف در قرآن می‌باشند.

در پاسخ به این ادعای دروغین آنها می‌گوییم: از لابلای سخنان خودتان برای رد این ادعای باطل استدلال می‌نماییم، مفید شیخ شیعه می‌گوید:

«امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه پیشوایان گمراه (مقصودش صحابه رضی الله عنهم می‌باشد) در بسیاری از موارد در امر جمع‌آوری قرآن مخالفتیایی کرده‌اند، و در آن بر حسب تنزیل و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عمل نکرده و از آن روی گردانده‌اند، و معتزله و خوارج و زیدیه و مرجئه و اصحاب حدیث در تمام آنچه که بر شمردیم بر خلاف امامیه اجماع

دارند». [أوائل المقالات : ص ۱۳]

لازم است بدانید که پاکی و دوری اهل سنت از این ضلالت و گمراهی نیازی به اعتراف دشمن ندارد، و تنها از این رو آن نظریه را نقل کردیم، چون سخن مخالف بود، و

صدور انصاف از جانب مخالف اثر بیشتری بجا می‌گذارد تا اینکه شخصی موافق انصاف به خرج دهد.

و اما اینکه پاره‌ای از علمای شیعه وجود تحریف در قرآن را انکار نموده‌اند؛ راجع به آن لازم است بدانید که یکی از ارکان شیعه «تقیه» می‌باشد. چنانکه نعمت الله جزائری شیخ شیعه می‌گوید:

«ظاهراً این قول (یعنی انکار تحریف قرآن) بخاطر مصلحت‌های بسیاری از آنان بروز کرده است، از جمله بستن در طعنه بر آنان است، که اگر در قرآن تحریف و تبدیل شده پس با وجود ممکن بودن تحریف و تبدیل در آن، چگونه جایز است به قواعد و احکامش عمل نمود». [الأنوار النعمانية: (۲/۳۵۸)]

سپس دلایل ادعای خود را ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه انکار علمای شیعه از روی تقیه بوده است، نعمت الله جزائری می‌گوید:

«چگونه چنین بیان می‌دارند در حالی که در نوشته‌هایشان روایات زیادی را آورده‌اند مبنی بر اینکه آن مسایل در قرآن واقع شده است و فلان آیه این گونه نازل شده و سپس تغییر یافته است». [الأنوار النعمانية: (۲/۳۵۸-۳۵۹)]

لازم به ذکر است، کسی که به تحریف قرآن کریم اعتقاد داشته باشد در واقع کفر ورزیده است و کافر محسوب می‌گردد، بنابر این اکنون علمای شیعه در مورد کلینی نویسنده «الکافی» و طبرسی نویسنده «فصل الخطاب» و امثال آنها که صریح و روشن چنین کفری را اعلام داشته‌اند، چه می‌گویند؟ آیا آنها را تکفیر می‌نمایند؟! و آیا از آنان تبرئه می‌جویند یا اینکه آنان را از بزرگان و مشاهیر علمای خود برمی‌شمارند!!

دوم:

دیدگاه شیعه نسبت به اصحاب پیامبر ﷺ و أمهات المؤمنین

شیعه معتقد هستند که اصحاب و مادران مؤمنان -رضی الله عنهم- بعد از وفات پیامبر ﷺ مرتد گشته و از دین رو برتافته‌اند، و از جمله روایاتی که از زبان امامانشان جعل نموده‌اند روایتی است که کلینی آنرا نقل کرده است:

«بعد از فوت پیامبر ﷺ جز سه نفر همه مردم مرتد شدند». [الکافی: (۲۴۵/۸)]

آنها از میان اصحاب پیامبر ﷺ ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما را از بدگویی و شناعت بیشتری نسبت به سایر اصحاب برخوردار نموده‌اند.

و همچنین مجلسی از یکی از موالی علی بن حسین رضی الله عنه نقل کرده که گفته است:

«پدرم عادت داشت که برخی اوقات به خلوت می‌رفت، یک مرتبه بر او وارد شدم و از او خواستم که راجع به حال و وضع آن دو نفر یعنی (ابوبکر و عمر) مرا خبر دهد. گفت: آنها کافر هستند و جز کافر کسی آنها را دوست ندارد». [بحار الأنوار: (۱۳۸/۶۹) باب: کفر المخالفین و النواصب].

و مجلسی می‌گوید: «از جمله مسایلی که از ضروریات دین امامیه محسوب می‌گردند موارد زیر می‌باشند:

- ۱- اعتقاد به حلال بودن متعه (صیغه).
- ۲- برائت از ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید بن معاویه، و همه کسانی که با امیر المؤمنین علیه السلام و یا سایر ائمه به جنگ و ستیز پرداختند و همه کسانی که در قتل حسین علیه السلام شرکت داشتند،

و گفتن جمله "حی علی خیر العمل" در اذان». [العقائد: ص ۵۸]

آنها صریح و روشن در مورد ام المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها بدگویی می‌نمایند و ایشان را نعوذ بالله به فاحشه کاری!!! متهم می‌کنند، در حالی که الله متعال در

ده آیه از سوره نور که تا روز قیامت تلاوت می شود عائشه صدیقه رضی الله عنها را تبرئه نموده و پاکی وی را ثابت نموده است.

از جمله روایات آنها در این خصوص مطلبی است که محمد شیرازی که از جمله علمای بزرگشان می باشد روایت نموده، آنجا که می گوید:

«دلیل چهلم: آنچه که راجع به ملامت و عیب و نقصهای دشمنان اهل بیت علیهم السلام روایت شده از جمله چیزهایی است که بر امامت ائمه اثنی عشری و کفر و دوزخی بودن عائشه دلالت می کند، و این مستلزم حقیقت مذهب ما و حقیقت ائمه اثنی عشر ما می باشد». الاربعین فی امامة الائمة الطاهرين : ص ۶۱

این است عقیده و باور شیعه در خصوص اصحاب کرام و مادران مؤمنین که بیان داشتیم، حال آیا مسلمان عاقل بدان رضایت می دهد، در حالی که در قرآن کریم آیه زیر را تلاوت می نماید:

﴿وَالسَّيِّئُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«پیشگامان نخستین مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله عزوجل از آنان خوشنود است و ایشان هم از الله خوشنودند، و الله برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه ها جاری است و جاودانه در آنجا می مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ».

و آیا مسلمان راستین راضی می گردد که در مورد همسر گرامی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عائشه صدیقه رضی الله عنها چنین بهتانی را زمزمه کند؟ درحالی که قرآن کریم می فرماید:

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾

النور ۱۵

«هنگامی که آن بهتان را از زبان یک‌دیگر می‌گرفتید و با زبانهای خویش سخنی می‌گفتید که به آن علمی نداشتید و آن را کاری سهل و ساده تلقی می‌کردید با این‌که آن امر نزد الله بس بزرگ است» یعنی: گناه و مجازات آن بس بزرگ است.

﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۶]

«و چرا وقتی آن را شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که به آن سخن بگوییم خداوندا! این بهتانی است بزرگ» و پاک است الله سبحان از این‌که چنین بهتانی به همسر پاکیزه رسول محبوبش زده شود. یعنی: وقتی این بهتان را شنیده بودید، باید از سر تعجب و استبعاد (سبحان الله) می‌گفتید، آری! می‌گفتید: بارالها! تو را به پاکی یاد می‌کنیم! برای این‌که تعجب خویش را از حال این گروهی که این تهمت‌ها را به همسر پاک رسول الله به هم بستند، آشکار ساخته باشید.

سوم:

عقیده شیعه در مورد ائمه اثنی عشر

آنچه برای همگان واضح و روشن است اینکه جز پیامبران - صلوات الله علیهم اجمعین - هیچ احدی معصوم نمی‌باشد و همه مردم در معرض اشتباه و گناه می‌باشند.

اما آنچه از مسلمات دین شیعه می‌باشد این است که امامت و عصمت امامانشان یکی از ضروریات عقیده آنها است، مجلسی یکی از علمای برجسته آنها می‌گوید:

«امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه ائمه - علیهم السلام - از گناهان کوچک و بزرگ معصوم هستند، و به هیچ وجه نه از روی عمد و نه از روی اشتباه گناهی از آنان صورت نمی‌گیرد و هرگز با تأویلی اشتباه روبرو نمی‌شوند». [بحار الأنوار: ۲۵/۲۰۹]

و معتقد هستند هر کس به امامت ائمه دوازده‌گانه آنها و اینکه امامت آنها از جانب الله ﷻ و پیامبر ﷺ تأیید شده ایمان نداشته باشد و یا اینکه تنها به امامت یکی از آنها ایمان نداشته باشد، او کافر و مرتد است و خون و مالش حلال می‌باشد، ابن بابویه قمی ملقب به صدوق، رئیس محدثین آنها می‌گوید:

«ما معتقد هستیم هر کس امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب ﷺ و ائمه بعد از ایشان را انکار نماید، همانند آن است که نبوت همه انبیا را انکار نموده باشد! و همچنین معتقد هستیم که هر کس امامت امیرالمؤمنین را تأیید نماید، اما امامت یکی از ائمه بعد از ایشان را انکار کند، بمنزله آن است که نبوت همه انبیا را تأیید نماید، اما نبوت پیامبر ما حضرت محمد ﷺ را انکار کند!!». [الاعتقادات: ص ۱۰۴]

و عبدالله مامقانی شیخ شیعه می‌گوید:

«آخرین پیامی که از روایات فهم می‌شود این است که: در آخرت حکم کفر و شرک

همه کسانی اجرا می‌شود که به امامت ائمه اثنی عشری ایمان نداشته‌اند». تنقیح المقال: ۲۰۸/۱

قضیه «امامت» نعمت الله جزائری را به آنجا رسانده که جدایی و کناره‌گیری شیعیان را از همه مسلمانان اعلام نماید، او می‌گوید:

«خدای ما، پیامبر ما و امام ما، با خدا و پیامبر و امام آنها تفاوت دارد، زیرا آنها معتقد هستند خدای آنها خدایی است که محمد ﷺ پیامبرش بوده و ابوبکر خلیفه و جانشین وی بوده است، اما ما به آن خدا و آن پیامبر معتقد نیستیم، بلکه می‌گوییم: خدایی که ابوبکر خلیفه و جانشین پیامبرش بوده خدای ما نیست و آن پیامبر نیز پیامبر ما نمی‌باشد».

[الأنوار النعمانية ج ۲ ص ۲۷۹]

آنها در راستای تطبیق عملی برای مسأله تکفیر، خون و اموال اهل سنت را مباح اعلام داشته‌اند.

ابن بابویه قمی از داود بن فرقد چنین روایت می‌کند که گفته:

«به ابو عبدالله علیه السلام گفتم: راجع به ناصبها چه می‌گویی؟ گفت: خون آنان حلال می‌باشد، اما نگران شما هستم، هرگاه توانستی که دیواری را روی آنها خراب نمایی یا اینکه آنها را در دریایی غرق کنی و کسی از کار شما اطلاع پیدا نکند آن را انجام بده، تا هیچ کس علیه شما گواهی ندهد. گفتم: راجع به مال و دارایی آنها چه می‌گویی؟ گفت: هر اندازه که توان داشتی از مال آنها با خود بردار».

[علل الشرائع: (۶۰۱/۲)]

آری آنها پس از آنکه مخالفین شان را تکفیر نمودند عملاً خون و جان و مال و ناموس اهل سنت را مباح اعلام نمودند و این فتوا را در صحنه عمل نیز تطبیق کردند.

و در عصر حاضر مرجع بزرگ آنها خمینی چنین اعلام داشته:

«در مورد مباح بودن آنچه به عنوان غنیمت از اموال ناصبها به دست می‌آید و تعلق خمس بدان، نظر و دیدگاه قوی این است که همانند غنیمت اهل حرب از آن استفاده می‌شود، بلکه قول ظاهر بر آن است که گرفتن اموال آنها به هر طریق که امکان باشد و در هر جایی که بدست بیاید جایز می‌باشد و واجب است که خمس آن اخراج گردد».

[تحریر

اما راجع به مفهوم ناصبی ببینیم که یکی از علمای شیعه معروف به الدرازی البحرانی چگونه توضیح می‌دهد:

«روایات رسیده از ائمه -علیهم السلام- بیان می‌دارند که مراد از ناصبی در گفته‌های آنها سنی می‌باشد». [المحاسن النفسانية : ص ۱۴۷]

امام شوکانی رحمه الله می‌فرماید:

«رافضی‌ها هیچ‌گاه امانت مخالفین مذهب خود را رعایت نمی‌کنند، بلکه هرگاه فرصت مناسب فراهم شود به مال و خون آنها تعدی می‌نمایند و آن را مباح می‌دانند، و تمامی مودت و محبتی که اظهار می‌دارند تنها از روی تقیه می‌باشد و با کوچک‌ترین فرصت فراهم شده اثری از آن باقی نمی‌ماند». [أدب المطب ومنتهی الأرب: ص ۹۵]

این است عقیده و باور شیعیان رافضی: - آنها معتقد هستند که قرآن کریم تحریف شده است - اصحاب و مادران مؤمنان رضی الله عنهم اجمعین کافر هستند - تعظیم و بزرگداشتن بیش از حد ائمه و حتی خدا خواندن آنها از اصول مذهبشان می‌باشد - قلمداد کردن امت اسلامی به عنوان کافر و مباح دانستن خون و اموال آنها...

آیا کسی که به الله جل جلاله و رسول الله ﷺ و روز رستاخیز ایمان داشته باشد و یا اینکه دارای ذره‌ای عقل باشد هرگز به خود اجازه می‌دهد که چنین اقوال زشت و عقائد فاسدی را ارائه دهد؟!!

واقعیت این است که آیه زیر شامل حال پیروان این مذهب باطل می‌باشد، آنجا که الله عزوجل می‌فرماید:

﴿ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ﴾ [فاطر: ۸]

«آیا کسی که عمل بدش (توسط شیطان و شیطان صفتان) در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می‌بیند و از قوانین آسمانی پیروی می‌کند؟) الله هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد ، و هر کس را بخواهد راهیاب می‌نماید».

لازم است انسان مسلمان از این گونه عقائد فاسد و منحرف حذر نماید و خود را از آن دور نگه دارد و تعصب مذهبی و عاطفه‌های شخصی، او را در برابر دین حق کور و کر و گنگ ننماید و از حق پیروی کند:

﴿ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴾

[یونس: ۳۵]

«آیا آن کس که راه راست را نشان می‌دهد سزاوارتر است که پیروی شود (و انسان به فرمان او رود) یا کسی که راهی نمی‌نماید و بلکه باید خودش راهنمائی گردد (و راه برده شود)؟ شما را چه شده (که چراغ عقل از گفتان به در می‌رود؟ به دنبال چه چیز می‌روید؟) این چه حکمی است که می‌کنید؟».

از الله متعال خواهانیم که همه مسلمانان را به راه حق و حقیقت هدایت نماید و افراد گمراه را به راه راست بازگرداند.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

کتابخانه عقیده

بزرگترین کتابخانه الکترونیکی به زبان فارسی

www.aqeedeh.com